



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

**Homepage:** <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.2, No.3, Issue 6, autumn 2023, P: 65-84

**Receive Date:** 2023/07/05**Revise Date:** 2023/08/13**Accept Date:** 2023/09/10**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.30495/jcl.d.2023.1984659.1062

### Dejudicialization of Children and Adolescents under the Protection of the Children and Adolescents Special Police Bill Approved 1400 (Looking at the England Legal System Experience)

Mohammad Shahanaghi<sup>1</sup>Mehdi Moghimi<sup>2</sup>

#### Abstract

One of the innovations of some legal systems in dealing with the offences of children and adolescents is the formation of children and adolescents special police. For the first time, this idea was formed in England and America and because of that, a certain part of the police structure was dedicated to juvenile delinquency. The employed people in the special police have special education and expertise about the method of interacting with minors and principle dealing with crimes committed by them. In the countries that have recognized it, the special police have certain duties and certain competencies in the process of dealing with juvenile delinquency and as a result of the development of criminological ideas and even human rights' doctrines, their approach in interacting with juvenile delinquents has become more reform-oriented and restorative; therefore, the responses that special police determines and implements in the dealing with juvenile delinquencies are different from the official punitive and repressive responses that governments determine and implement for adults. Authors in this article, with aim of investigate and explain the dejudicialization approach of the children and adolescents special police in Iran's legal system, have concluded that dejudicialization of delinquent children and adolescents is one of the most important prominent approaches in the bill of the special police of children and adolescents approved in 1400 in Iran. Looking at the experience of the English legal system in this field, it is clear that this country has also tried to avoid their entry into formal judicial processes and criminal proceedings, focusing on the dejudicialization of delinquent children and adolescents and using alternative methods, especially based on restorative justice to respond to the delinquency of children and adolescents.

**Keywords:** Dejudicialization, special police of children and adolescents, dejudicialization of children and adolescents, criminal policy of delinquency of children, dejudicializational criminal policy.

<sup>1</sup>. Master of Criminal Law and Criminology, Tehran Electronics Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mohammadshahanaghi3@gmail.com

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Amin University of Police Sciences. Tehran, Iran. (corresponding author). m60\_moghimi@yahoo.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jclld.liau.ac.ir>

سال دوم - شماره ۳ - شماره پیاپی ۷ - پاییز ۱۴۰۲، ص ۶۵-۸۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

DOI: 10.30495/jclld.2023.1984659.1062

شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱

نوع مقاله: پژوهشی

## قضازدایی از اطفال و نوجوانان بزهکار در پرتو لایحه‌ی پلیس ویژه‌ی اطفال و

نوجوانان، مصوب سال ۱۴۰۰

( با نگاهی به تجربه‌ی نظام حقوق کیفری انگلستان )

محمد شهنانقی<sup>۱</sup>

مهدی مقیمی<sup>۲</sup>

۶۶

فصلنامه علمی آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، سال دوم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷، پاییز ۱۴۰۲

### چکیده

یکی از ابداعات برخی نظام‌های حقوقی در مواجهه با بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه‌ی اطفال و نوجوانان است. این اندیشه، برای نخستین بار، در انگلستان و آمریکا شکل گرفت و به موجب آن، بخش خاصی از ساختار پلیس، به صورت تخصصی، به بزهکاری‌های خردسالان اختصاص یافت. افراد شاغل در پلیس ویژه، دارای تحصیلات و تخصص ویژه‌ای در ارتباط با نحوه تعامل با خردسالان و مواجهه اصولی با ارتکاب جرائم از سوی آنان هستند. پلیس ویژه، در کشورهایی که آن را شناسایی کرده‌اند، دارای وظایف و صلاحیت‌های مشخصی در فرآیند مواجهه با بزهکاری خردسالان است و در اثر رشد اندیشه‌های جرم‌شناسانه و نیز آموزه‌های حقوق بشری، رویکرد آن‌ها در تعامل با خردسالان بزهکار، بیش از پیش، اصلاح مدارانه و ترمیمی شده است؛ بنابراین، پاسخ‌هایی که پلیس ویژه، در مواجهه با بزهکاری‌های خردسالان، تعیین و اجرا می‌کند، با پاسخ‌هایی سرکوبگر و سزاگرای رسمی، متفاوت است که دولت‌ها نسبت به بزرگسالان تعیین می‌کنند و به عمل درمی‌آورند. نویسندگان در این نوشتار، با هدف بررسی و تبیین رویکرد قضازدایانه پلیس ویژه‌ی اطفال و نوجوانان بزهکار در نظام حقوق کیفری ایران، به این نتیجه دست یافته‌اند که قضازدایی درباره‌ی اطفال و نوجوانان بزهکار، یکی از مهم‌ترین رویکردهای مطرح در لایحه‌ی پلیس ویژه‌ی اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۴۰۰ در ایران است. با نگاهی به تجربه‌ی نظام حقوق کیفری انگلستان در این زمینه، مشخص می‌شود که این کشور نیز تلاش داشته است با محوریت قضازدایی از اطفال و نوجوانان بزهکار، حتی الامکان، از ورود آنان به فرایندهای رسمی قضایی و دادرسی کیفری اجتناب ورزد و از روش‌های جایگزین، به ویژه، مبتنی بر عدالت ترمیمی، برای پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان بهره گیرد.

**واژگان کلیدی:** قضازدایی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، قضازدایی از اطفال و نوجوانان، سیاست جنایی بزهکاری اطفال، سیاست جنایی قضازدایانه.

<sup>۱</sup> دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد الکترونیکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [mohammadshahanaghi3@gmail.com](mailto:mohammadshahanaghi3@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [m60\\_moghimi@yahoo.com](mailto:m60_moghimi@yahoo.com)

بزهکاری کودکان و نوجوانان، همواره و به ویژه در سال های اخیر، یکی از مهمترین دغدغه های متولیان نظام های سیاستگذاری جنایی در بسیاری از کشورها بوده است. کودکان و نوجوانان، به سبب قرار داشتن در بازه سنی خاص و برخورداری از نیازها و توقعات ویژه و به دلیل حساسیت و شکنندگی بسیار بخصوص از بعد عاطفی و روانی، نیازمند توجه خاص هستند. این امر، اقتضای اتخاذ رویکردی افتراقی در مواجهه با بزهکاری های کودکان و نوجوانان را نیز دارد.

یکی از اقدامات و تدابیری که برخی از نظام های حقوقی در طریق رویارویی منطقی و کارآمد با بزهکاری اطفال و نوجوانان در پیش گرفته و عملی کرده اند، تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار است که با برخورداری از صلاحیت های خاص و بر اساس وظایف و تکالیف سازمانی مشخص، حتی الامکان از ورود این قشر به فرایندهای رسمی قضایی جلوگیری کرده و در عوض، با استفاده از راهکارهای جایگزین بخصوص تدابیر مبتنی بر عدالت ترمیمی، فرایند پاسخ دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان را ساماندهی کنند؛ نمونه بارز این نظام های حقوقی، انگلستان است که با تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، تجربه مهمی در راستای اجتناب از اجرای فرایند دادرسی رسمی کیفری نسبت به بزهکاران خردسال را کسب کرده است.

خوشبختانه، این مقوله، اخیراً مورد توجه سیاستگذاران جنایی ایران نیز قرار گرفته و در لایحه ی موسوم به لایحه ی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، سعی بر این بوده است که تا جای ممکن، کودک و نوجوان بزهکار، برای رسیدگی به جرم ارتكابی و تعیین پاسخ مناسب و کارآمد به آن، وارد عرصه دادرسی رسمی کیفری نشود و به جای آن، به ویژه با محوریت عدالت ترمیمی، ضمانت اجراهای مفید و کارساز نسبت به ارتكاب جرم توسط آن ها تعیین و اجرا گردد. این مقوله، به ویژه به سبب جدید التدوین بودن این لایحه، چندان مورد توجه پژوهشگران داخلی نبوده است هرچند در مورد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، پیش از تدوین این لایحه، پژوهش هایی در ایران صورت گرفته است. به منظور رفع خلاء پژوهشی مربوط به لایحه جدید، نگارندگان کوشیده اند در تحقیق حاضر، ضمن بررسی مفهوم، ویژگی ها و کارکردهای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، در پرتو نگاهی به تجربه نظام حقوقی انگلستان به نهاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، رویکرد لایحه تدوین شده در نظام حقوقی ایران درباره این نهاد پلیسی را به بحث و مذاقه بگذارد.

بر این مبنا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به چه معناست، چه ویژگی هایی دارد و دارای چه کارکردهایی در زمینه پاسخ دهی مناسب و کارآمد به بزهکاری اطفال و نوجوانان به جای قضاگرایی رسمی است؟ فرضیه اصلی نیز این است که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، نوع خاصی از پلیس است که به طور معمول، از نیروهای آموزشی دیده و آشنا با مسائل مربوط به بزهکاری

کودکان و نوجوانان تشکیل شده است و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از الگوهای قضازدا، روش‌های جایگزین برای پاسخ دهی کارآمد و مناسب به بزهکاری اطفال و نوجوانان را در دستور کار قرار دهد. بر این اساس، هدف در تحقیق حاضر، آن است که رویکرد لایحه جدید التدوین پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در ایران بر اساس اهداف و رویکردهای خاص مطرح در مورد این گونه جدید پلیس، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## ۱. مبانی نظری پژوهش

اهمیت اطفال و نوجوانان در معرض خطر در سطوح مختلف جهانی و قاره‌ای در این سال در قالب‌های گوناگونی چون کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند مواد ۲، ۳، ۴ و حتی مقدمه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، قواعد بیجینگ ۱۹۸۵،<sup>۱</sup> بندهای ۶۶ گانه اصول ریاض ۱۹۹۵، کنگره‌های سازمان ملل که از سال ۱۹۹۵ هر پنج سال یکبار با هدف تشخیص و تدوین استانداردهای مختلف بین‌المللی مورد توجه دولت‌ها و جرم‌شناسان این رشته قرار گرفته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد (مؤذن‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۵، ۴۳). توجه و اعمال رفتارهای افتراقی، توسعه قضایی،<sup>۲</sup> توجه به سیاست‌های جرم‌زدایی<sup>۳</sup> و قضازدایی<sup>۴</sup> در خصوص دادرسی اطفال و نوجوانان که در دوره مکتب دفاع اجتماعی نوین مطرح شده است. هم‌چنین بر اساس رویکردهای قضازدا می‌توان گفت قضازدایی پلیس راهکاری است که به دنبال پیشگیری از ورود اطفال و نوجوانان به فرآیند دادرسی رسمی کیفری بوده و در صورت ضرورت ورود آنان به این فرآیند، به دنبال رویارویی حداقلی اطفال و نوجوانان با دستگاه قضایی و کوتاه کردن مراحل رسیدگی می‌باشد (خرسندآستانجین و ارجمند، ۱۳۹۸، ۶۸). ظهور مؤلفه‌های چهارگانه واکنش اجتماعی شامل نظریه‌های برچسب زنی،<sup>۵</sup> مهندسی جرم،<sup>۶</sup> بزه‌دیده شناسی،<sup>۷</sup> جرم شناسی رادیکال<sup>۸</sup> و اتخاذ تصمیمات مناسب در خصوص حمایت هر چه بهتر از گروه‌های آسیب پذیر از نمونه دیدگاه‌ها و نظریات جرم شناسی مهمی می‌باشد که می‌توان از آن نسبت به اطفال و نوجوانان بهره کافی جست.

توجه به رویکردهای مدیریت مشارکتی و تأکید بر مشارکت‌های مردمی در اجرای سیاست‌های هرچه بهتر سیستم‌های نظام‌های عدالت کیفری، عملکرد مؤثری است که به خصوص در پیشگیری اجتماعی مورد

۱. بند ۱۳.

۲. مفهوم توسعه قضایی که عبارت از گسترش دادن تحقق عدالت در سیستم قضایی، تحول بنیادین، زیربنایی و اساسی برای دستیابی به عدالت کارا و اثر بخش است (براتی‌نیا، ۱۳۸۱، ۶۸).

۳. پاک کردن برچسب‌های مجرمانه نسبت به یک عمل یا یک رفتار (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۴، ۶۴).

۴. سازوکارهای نظام عدالت کیفری و جرم‌شناسان نسبت به دور کردن متهم یا مظنون جرم از فرآیندهای رسیدگی قضایی می‌باشد (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۷۷، ۱۴۱).

۵. Labeling Theory

۶. Engineering Crime

۷. Victimology

۸. Radical Criminology

توجه دولت‌ها و جرم‌شناسان قرار گرفته است. از طرفی توجه به مشارکت‌های مردمی در نظام عدالت کیفری را می‌توان از اساسی‌ترین اصول تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظر گرفت. تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در کنار دیگر نهادهای غیرقضایی و تخصصی در خصوص کودک و نوجوان و یا استفاده از نهادهای مددکاری اجتماعی از جمله ملزومات ساختاری می‌باشد که در به‌کارگیری سیاست‌های جنایی افتراقی امری لازم می‌باشد.

## ۲. ماهیت اصلی پلیس ویژه

به طور کلی اقدامات پلیس را می‌توان به دو شاخه اصلی پلیس اداری<sup>۱</sup> و پلیس قضایی<sup>۲</sup> تقسیم کرد که از نظر ماهیت و کمیت با یکدیگر متفاوت می‌باشند. پلیس اداری بخشی از سازمان اداری در یک کشور بوده و مسئولیت اصلی آن پیشگیری از ارتکاب جرم و بی‌نظمی در جامعه می‌باشد. در مقابل این گروه پیشگیرانه، پلیس قضایی بر خلاف بخش اداری مسئولیت کشف جرم، جمع‌آوری دلائل پس از وقوع جرم را بر عهده گرفته است (عبداللهی و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۰۲)؛ منتها، پلیس ویژه دارای تعریفی مستقل می‌باشد که در جهت حفظ و تأمین منافع گروهی خاص تشکیل شده است. ولی اینکه این نهاد زیر مجموعه کدام یک از شاخه‌های اصلی پلیس می‌باشد، سؤالی است که در تعریف پیش رو به آن اشاره می‌شود.

پلیس ویژه، در یک تعریف موسع، عبارت است از نهادی تخصصی، که صلاحیت قانونی آن در چهارچوب مقررات قانون پلیس ویژه و قانون نیروی انتظامی می‌باشد. این نهاد زیر مجموعه پلیس ناجا است و ضابطان آن پس از طی کردن دوره‌های مهارتی گوناگون و یادگیری آموزش‌های تخصصی لازم به منظور حسن انجام وظیفه در ارتباط با کشف جرم، طریقه برخورد با کودکان و نوجوانان در زمان‌های گوناگون، بروز واکنش‌های صحیح در زمان وقوع جرم و پس از آن، حفظ حقوق کودک و نوجوان در تمام مراحل رسیدگی و پیش از آن، حفظ حقوق بزه‌دیده و بزهکار و... تشکیل شده است. بر این اساس این نهاد تخصصی در وهله اول با هدف پیشگیری از جرائم ارتكابی و کنترل حالت خطرناک در کودک و نوجوان و پس از آن تسهیل در روند رسیدگی و پاسخ دادن به جرائم ارتكابی آنان کار خود را آغاز نمود و در کنار این اهداف در وهله بعدی با دیدگاه حمایتی و با هدف حفظ حقوق کودکان و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده پس از وقوع جرم نیز اقدامات لازمی را به موجب قانون انجام می‌دهد.

به موجب تعریف ارائه شده در لایحه‌ی پلیس ویژه نیز، این نهاد با هدف حمایت از اطفال و نوجوانان و در خصوص مسائل مختلفی چون پیشگیری از بزهکاری و یا مقابله با نقض قوانینی صورت گرفته توسط آنان، در سازمان ناجا تشکیل و ضوابط محوله به آن‌ها مشخص شده است.<sup>۳</sup> به موجب دگر تعریف: پلیس

۱. Administrative Police

۲. Judiciary Police

۳. ماده ۲، لایحه تشکیل پلیس ویژه، مصوب ۱۴۰۰.

ویژه بر اساس مبنای نظری، پلیس قضایی می‌باشد که پس از یادگیری آموزش‌های خاص برای کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب و در کلیه مراحل رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان از توانایی‌های آنها استفاده می‌شود» (پورشکیبایی و جهانی، ۱۳۹۰، ۴۷).

بر اساس این تعاریف، عملکرد پلیس ویژه را نمی‌توان تنها محدود به یکی از شاخه‌های فوق نمود؛ زیرا در عملکرد آنان، علاوه بر توجه به مسائل کشف جرم و رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان، باید به تمهیدات لازم برای پیشگیری از ارتکاب جرم و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به عنوان یکی دیگر از وظایف پلیس ویژه توجه نمود. این نوع اعمال پیشگیرانه هدف اصلی مؤلفه‌های پیشگیری رشد مدار و عدالت ترمیمی می‌باشد.

## ۲-۱. اهمیت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

از ابتدای تدوین قانون نیروی انتظامی، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم، بازرسی و تحقیق و... از جمله وظایف پلیس می‌باشد.<sup>۱</sup>

در دستگاه عدالت کیفری نیز پلیس از جهات گوناگون دارای اهمیت است. با وقوع جرم، نظم اجتماع دچار اختلال شده و به همین خاطر جامعه، تأمین امنیت را تکلیف نیروهایی به عنوان نیروی انتظامی گذاشته است که به محض وقوع جرم، تکلیف مأمورین انتظامی به عنوان ضابطان دادگستری آغاز شده و وارد عمل می‌شوند که جامعه کمتر دچار اختلال و هرج و مرج شود و اینجا است که مأمورین انتظامی با تشریح درست جریان وقوع جرم نزد قاضی می‌توانند او را در صدور حکم صحیح یاری کنند (مظفری‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱، ۹۱)؛ چرا که این نهاد به دلیل عملکردهای فوری خود در مواجهه با پدیده‌ی مجرمانه و حتی پیشگیری‌های گوناگون به نوعی از افراد جامعه حمایت می‌کند.

بنابر این، پیش شرط یک تصور امید بخش و درک سالم از دستگاه عدالت کیفری و همچنین بررسی میزان توانایی، اقتدار و ضعف یک دولت را می‌توان در عملکردهای خدمات پلیسی، دستگاه‌ها، ساختارها و مقررات آنها مشاهده کرد؛ چرا که اشتباه قضایی در خصوص اطفال و نوجوانان در مراحل دیگر، مانند: دادسرا، دادگاه و حتی مراحل بالاتر عملی قابل جبران می‌باشد، ولی اشتباه پلیس در برخورد با اطفال و نوجوانان متهم می‌تواند در اکثر مواقع امری غیر قابل جبران شمرده شود؛ علاوه بر آن، بسیاری از کودکان و نوجوانان بزهکار در ایران از عملکرد پلیس ابراز ناراحتی و نارضایتی می‌کنند (کشفی، ۱۳۸۷، ۱۴۶).

در برخی از مواقع نیز دیده شده بزه‌دیده جرم نیز در تماس با برخی دستگاه‌های قضایی و اجرایی با ناملایماتی‌هایی رو به رو شده است که در بروز این ناملایماتی‌ها پلیس که بازوی اجرایی در دستگاه عدالت کیفری است، نقش مهم و مؤثری را ایفا کرده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ۱۱).

۱. ماده ۸، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹.

بنابر این، هم بزهکار و هم بزه‌دیده جرم می‌توانند مخاطب این ناملایمتی‌ها قرار بگیرند؛ از این رو، تشکیل یک واحد تخصصی، مانند: پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، در نیروی انتظامی می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود دیدگاه تمام افراد جامعه داشته باشد (عبدی و دیگران، ۱۴۰۱، ۳۷۲۰).

### ۳. شرایط قضازدایی در ارتباط با عملکرد مأموران پلیس ویژه

اولین شرط در خصوص پلیس ویژه، استفاده از رویکردهای انتظامی به جای رویکردهای نظامی می‌باشد؛ بدین معنا که اگر آموزش‌های نیروهای پلیس بخصوص در مورد اطفال و نوجوانان در فضایی غیر قابل انعطاف و با آداب و رسومی سخت صورت بگیرد، نمی‌توان از آنها توقع انعطاف‌پذیری داشت، هم‌چنین در گزینش این مأموران نباید به دنبال توانایی فیزیکی، دیدگاه‌های مبارزه طلبی و اجرای بدون چون و چرای دستورات فرماندهان بود، چرا که مدنظر قرارداد این دیدگاه‌ها در گزینش ابتدایی باعث شده تا این افراد به جای دیدگاه‌های قضازدا، ترمیمی و افتراقی نگاهی جنگجویانه، خشن، قوی و غیرقابل انعطاف از خود نشان دهند و تمایل به یافتن دشمن برای آنان در اولویت قرار بگیرد؛ بنابر این، اولین اقدام مهمی که باید همزمان و یا حتی پیش از تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در سازمان پلیس صورت پذیرد، آموزش پرسنل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد (خرسندآستانجین و ارجمند، ۱۳۹۸، ۷۱).

با مطالعه ساختار نظام پلیسی تا پیش از تصویب لایحه پلیس ویژه حتی با وجود تصریح ماده ۳۱ آ.د.ک مصوب ۹۲، هیچ‌گونه تصریحی در مورد شرایط مأموران پلیس ویژه وجود نداشت و به نوعی سیستم قضایی در یک سردگمی به سر می‌برد. در حال حاضر و با تصویب این لایحه در سال ۱۴۰۰ مشاهده می‌شود که مقنن در ماده ۴ شرایط خاصی را برای این افراد مد نظر قرار داده است. بر اساس این بند پلیس ویژه اطفال باید علاوه بر شرایط عمومی استخدام ناجا دارای شرایط ذیل نیز باشد:

(۱) تأهل و ترجیحاً داشتن فرزند

دیدگاه نظام عدالت کیفری نسبت به کودک و نوجوان بزهکار یا بزه‌دیده نگاهی قضازدا، ترمیمی، افتراقی و رشد مدار می‌باشد. این شرط مهم در خصوص تمامی مقامات اجرایی و قضایی در تماس با اطفال و نوجوان به عنوان یک شرط لازم و ضروری مد نظر مقنن قرار گرفته است. مهر تأیید این نکته را می‌توان در شرایط قضات رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال و نوجوانان نیز مشاهده نمود.

(۲) دارا بودن شرایط مندرج در ماده (۳۰) آ.د.ک مصوب ۹۲ نیز از جمله موارد تکمیلی دیگری است

که به شرح شرایط ضابطان دادگستری می‌پردازد.

۱. احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری و ... است.

۳) داشتن مدرک تحصیلی کاردانی و یا بالاتر.

علاوه بر شرایط عمومی برای جذب ضابطان، پلیس ویژه در یکی از رشته‌های مرتبط در علوم انتظامی از دیگر شرایطی است که این مأموران بایستی داشته باشند. همچنین با توجه به گستردگی وظایف، این نهاد می‌تواند علاوه بر جذب رشته‌های مرتبط با علوم انتظامی اقدام به جذب فارغ التحصیلان رشته‌های گوناگون مانند روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، حقوق و مددکاری اجتماعی نماید. تجربه در این سال‌ها ثابت نموده است که بهره‌مندی از علوم و متون روز دنیا به موجب تحصیلات عالی می‌تواند تأثیر بسیار مؤثری در قضازدایی و روند پیشگیری داشته باشد و باعث شده تا این‌گونه افراد از قانون‌گریزی به دور مانده و ضابطان را دشمن خود تلقی نکنند. همچنین نگاه رشد مدارانه در سیستم نظام عدالت کیفری بسیار بر امر تربیت و آموزش اطفال و نوجوان تأکید دارد و به موجب آن مقام انتظامی را موظف می‌کند تا در هنگام استخدام نیروهای خود به جذب متخصصان حوزه‌های دیگر نیز اقدام نماید.

۱) علاوه بر آموزش‌های پیش‌بینی شده در قانون استخدامی نیروی انتظامی که مربوط به تمام ضابطان نیروی انتظامی می‌باشد، اخذ گواهی دوره‌های آموزش تخصصی نیز در بند ۴ از ماده ۴ و تبصره‌های ۱۲ و ۲۳ این لایحه از دیگر شرایط مهم دیگری است که به آن توجه شده است. گاهی ممکن است به دلیل کمبود نیروی متخصص این نهاد پیشگیرانه و قضازدا مجبور به استخدام نیروهایی با شرایط ضعیف‌تر باشد. در چنین شرایطی و به منظور جلوگیری از هرگونه آسیب به کودک یا نوجوان، مقنن آموزش‌هایی را برای این مأموران در نظر گرفته است. چه بسا بهتر است گذراندن دوره‌های تخصصی برای تمام ضابطین امری لازم شمرده شود؛ زیرا گذراندن این دوره‌های تخصصی باعث می‌شود تا همه این افراد آمادگی لازم برای برخورد با کودک و نوجوان را پیدا نمایند.

۲) حضور زنان در سمت مأموران پلیس ویژه، از دیگر تدابیر مهم و پیش‌بینی شده در این لایحه می‌باشد.<sup>۳</sup> نحوه این انتخاب به گونه‌ای است که حداقل سی درصد از مأموران پلیس ویژه مستقر در کلانتری‌ها را زنان تشکیل می‌دهند.

از نگاه قانونگذار، در بیان تفسیر چنین تبصره‌ای می‌توان دو رویکرد مهم را استنباط نمود. نخست نگاه مدارانه و محبت‌آمیز است، هم‌چنین حضور بانوان در این حوزه و موقعیت‌های پیش‌آمده می‌تواند بسیار مثمرتر باشد. توجه به حرمت دختران نوجوانان بازداشت‌شده دومین رویکرد مهمی است که با توجه به قوانین جمهوری اسلامی حضور بانوان را به عنوان عضوی مهم در پلیس ویژه مد نظر خود قرار داده است.

۱. تبصره ۲، در بخش‌هایی که افراد دارای مدرک تحصیلی کاردانی موضوع بند ۳ این ماده وجود ندارد، با تشخیص رییس پلیس ویژه، استفاده از کارکنان پایور دیپلم با حداقل ۳۰ سال سن که دارای سایر شرایط باشند، بلامانع است.

۲. تبصره ۳، سایر کارکنانی که با پلیس ویژه همکاری می‌کنند، باید آموزش‌های لازم را دیده باشند.

۳. ماده ۴، تبصره ۱، لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰.



#### ۴. وظایف و تکالیف پلیس ویژه در روند تحقیق و کشف جرم در (جرائم مشهود و غیرمشهود)

به منظور قرارگیری پلیس ویژه در روند و جریان مأموریت‌های گوناگون که با هدف قضازدایی تشکیل و اجرا شده است، نیاز به بررسی برخی از تکالیف و وظایف محوله به این افراد است.

الف) دسته اول این وظایف و تکالیف که با هدف پیشگیری از وقوع جرم و بزهکاری بیان شده است به سه بخش مهم تقسیم می‌شود:

۱. بخش اول، اقدامات مهم و پیشگیرانه‌ای است که این مأموران آموزش دیده باید آن را قبل از وقوع هر نوع جرم یا عمل بزهکارانه توسط کودک و نوجوان مد نظر قرار دهند.

۲. بخش دوم، نگاهی دوراندیشانه می‌باشد، به معنای دیگر این وظایف و تکالیف به جهت پیشگیری از آسیب به افرادی می‌باشد که شاید هیچ‌گاه مرتکب عمل بزهکارانه نشده‌اند، اما نشانه‌هایی از حالت خطرناک درون آن‌ها وجود دارد. تجربه در این سال‌ها ثابت کرده است که در بیشتر اوقات حالات خطرناک می‌تواند باعث بروز رفتارهای بزهکارانه در فرد شود.

۳. بخش سوم جلوگیری از هرگونه آسیبی است که ممکن بوده به دلیل انجام رفتارهای بزهکارانه توسط کودک و نوجوان به جامعه وارد شود.

ب) دسته دوم عملکردی حمایتی از این افراد می‌باشد؛ زیرا این مأموران به عنوان اولین نهاد بررسی کننده پیش از دادرسی، پس از وقوع جرم توسط کودکان و نوجوانان از وقوع جرم مطلع و در صحنه جرم حضور پیدا می‌کنند و باید در راستای وظایف و تکالیف محوله توسط قانون اقدامات مقتضی را انجام دهند و با توجه به لایحه پلیس ویژه این موارد باید مورد بررسی قرار گیرد.

جرائم تروریستی و خروج مجرمین بزرگسال از دایره وظایف پلیس ویژه به جز موارد مقرر در قانون، استثنائات این وظایف و تکالیف بیان می‌شود. در ادامه، به بررسی تفاوت وظایف این افراد در جرائم مشهود یا غیرمشهود، پرداخته می‌شود:

#### ۴-۱. جرائم مشهود

نوع وظایف و تکالیف پلیس ویژه در جرائم مشهود و غیرمشهود متفاوت است. در وهله اول پلیس ویژه در جرائم مشهود نمی‌تواند طفل کمتر از ۹ سال را دستگیر یا بازداشت نماید. این مقام قضایی موظف است پس از احراز هویت و ارزیابی وضعیت طفل و انجام تکالیف محوله در ماده ۴۴ آ.د.ک فوراً اقدام به تنظیم صورت جلسه نماید. این مقام قضایی موظف است طفل را به خانواده‌اش تحویل، موضوع ارتكابی را به آنان اعلام و حقوق کودک را تذکر و اقداماتی را به آنان اعلام نماید که این افراد باید در مورد فرزند خود انجام دهند.

همچنین، این مقام می‌تواند در صورت نیاز نسبت به اخذ تعهد از آنان اقدام نماید. وی موظف است در صورت فقدان یا عدم دسترسی به ولی و یا حتی امتناع ولی از پذیرش طفل خود و یا در مواقعی که

مصلحت طفل ضرورت نماید، طفل را به سازمان بهزیستی کشور یا سایر اشخاصی تحویل دهد که به موجب قانون مصلحت طفل را رعایت می‌کنند.<sup>۱</sup>

اما این وظایف، در خصوص افراد ۹ تا ۱۸ سال متفاوت است. در خصوص این افراد پلیس ویژه مکلف است به محض مطلع شدن از نقض قوانین مشهود به وسیله‌ی این گروه سنی، نسبت به وظایف محوله در ماده ۴۴ آ.د.ک اقدام و مراتب را به مقام قضایی مسئول اعلام نماید. هم‌چنین در مواردی که طفل یا نوجوان ۹ تا ۱۸ سال دارای شرایط ذیل باشد، می‌تواند او را دستگیر یا بازداشت کند:<sup>۲</sup>

(۱) پلیس ویژه می‌تواند در صورت مشاهده نقض قوانین جزایی توسط کودک یا نوجوان، تنها اقدام به بازداشت یا دستگیری آنان نماید، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند افراد ۱۲ تا ۱۸ سالی را که مرتکب جرایم مستوجب مجازات‌های بندهای الف تا پ ماده ۳۰۲ آ.د.ک و جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر نشده‌اند، تحت نظر خود نگه دارند.

(۲) هم‌چنین این مقام قضایی می‌تواند در مواقعی که طفل یا نوجوان محل سکونت مشخصی نداشته و یا دسترسی معمول به وی امکان پذیر نباشد، اقدام به بازداشت آن‌ها کند.

(۳) یکی دیگر از موارد دستگیری نسبت به این گروه خاص احراز دلایل معقول و موجه مبنی بر استمرار یا تکرار جرم توسط آنان برای پلیس ویژه می‌باشد که در این صورت ضابط می‌تواند نسبت به دستگیری کودک یا نوجوان اقدام نماید.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این مقام قضایی تنها در صورت وجود این موارد سه‌گانه موظف به بازداشت طفل یا نوجوان ۹ تا ۱۸ می‌باشد و با مدیریت به موقع در انجام و اجرای وظایف خود در شرایط گوناگون می‌تواند موجبات اصلاح و پیشگیری از بزهکاری آنان را فراهم و از ضربه زدن مجدد آن‌ها به جامعه جلوگیری کند و در صورتی که در این مراحل موفق به جلوگیری نشود، در مرحله آخر اقدام به بازداشت آنان با شرایطی خاص نماید.

#### ۴-۲. جرائم غیرمشهود

اما روی دیگر جرائم مشهود، جرائم غیرمشهود قرار دارد. در این جرائم پلیس ویژه مکلف است به محض اطلاع از نقض قوانین توسط کودک یا نوجوان ۹ تا ۱۸ سال، حسب وظیفه اقدامات مقتضی انجام دهد و مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به مرجع قضایی صالح که تحقیقات مقدماتی زیر نظر مستقیم آن‌ها انجام می‌شود، اعلام نماید و مرجع یاد شده (دادسرا یا دادگاه) نیز پس از بررسی‌های لازم، دستور به انجام تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب دیگری اتخاذ می‌نماید.

۱. ماده ۱۹ لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.

۲. ماده ۲۰ لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.

بر این اساس به موجب ماده ۲۸۷ آ.د.ک برای انجام تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی موظف می‌باشد حسب مورد اطفال و نوجوانان را به والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش توسط آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، بسپارد. اشخاص مذکور ملزم بوده تا هرگاه حضور طفل یا نوجوان برای تحقیقات لازم می‌باشد، آن‌ها را به مرجع قضائی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال تمام نیز خود ملزم به حضور می‌باشند که در این صورت در مواقع نیاز و با توجه به اعلام زمان از جانب مقام قضایی باید خود را به دادگاه معرفی نمایند. در صورت ضرورت در مواقعی که مقام قضایی لازم بداند می‌تواند حکم به اخذ کفیل یا وثیقه برای اطفال و نوجوانان بالای ۱۵ سال صادر نماید و در صورت عجز از معرفی کفیل یا وثیقه به دستور دادگاه این افراد به کانون اصلاح و تربیت معرفی می‌شوند.

با چنین تفاسیری باید برای انجام تحقیقات مقدماتی در ارتباط با اطفال و نوجوانان قائل به یک تفکیک پلکانی شد به گونه‌ای که اگر جرم یا نقض قانون غیرمشهود و مرتکب کمتر از ۹ سال سن داشته باشد، پلیس ویژه، حق هیچ‌گونه مداخله‌ای را در این مرحله ندارد. عملکرد پلیس ویژه در این مرحله یک اقدام قضازدا، ترمیمی و رشدمدار می‌باشد. در صورتی که مرتکب ۹ تا ۱۵ سال سن داشته باشد، این روند، به گونه‌ی دیگری انجام می‌شود. تحقیقات مقدماتی در تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال، به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید، اما در مواقعی که مرتکب ۱۵ تا ۱۸ سال تمام داشته باشد، این تحقیقات، جزو جرائم منافی با دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان است و با توجه به نظر بازپرس، پلیس ویژه نیز می‌تواند در این امور مداخله نماید.

### ۵. وظایف و تکالیف پلیس ویژه از باب پیشگیری قضازدا

یکی از وظایف مهم پلیس ویژه، پیشگیری از وقوع جرائم ارتكابی و انجام اقدامات حمایتی و پیشگیرانه می‌باشد؛ بنابر این، اقدام نامطلوب توسط ضابطین و یا مأموران پلیس ویژه می‌تواند کودک یا نوجوان را دچار تصویری غلط از مأمورین و جامعه نماید و اصلاح و تربیت او را در مراحل بعدی سخت‌تر نماید. برای رسیدن به چنین اهدافی نظام عدالت کیفری با رویکردی قضازدا و تسلط بیشتر به موضوعات گوناگون و در جهت جلوگیری از هرگونه معضل در مراحل مختلف اقدام به بیان وظایفی خاص در خصوص پلیس ویژه نموده است. این تکالیف و مقررات به شرح ذیل می‌باشد:<sup>۱</sup>

(۱) ایجاد یک نظام جامع اطلاعاتی و آماری در خصوص اطفال و نوجوانان، با همکاری دستگاه‌های

مربوطه؛

آمار بزهکاری اطفال و نوجوانان در سال‌های اخیر، رو به افزایش بوده است. ایجاد چنین نظام جامعی زمینه تحقیقات علمی و پیشگیرانه را برای جرم‌شناسان و متخصصان امور پیشگیری فراهم می‌نماید. همچنین به روز شدن تدابیر رشد مدار را برای جامعه به همراه دارد.

۲) تشکیل کارگروه‌های مشترک با دستگاه‌های اجرایی مرتبط مانند آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سازمان صدا و سیما؛

هر گاه در یک نظام کیفری، صحبت از تشکیل کارگروه می‌شود، می‌توان دو هدف مهم را مد نظر قرار داد؛ هدف اول، بعد نظری که در مراحل اولیه پیشگیری شاید راهکاری مطلوب به نظر آید اما در مرحله عملی کارایی چندانی نخواهد داشت. در هدف دوم نظام عدالت کیفری، تلاش دارد تا به کمک این کارگروه‌ها علاوه بر اصلاح و تربیت کودک و نوجوان به نوعی بار مسئولیتی خود را کم نماید.

۳) بهره‌گیری از خدمات داوطلبانه نهادهای غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و اشخاص داوطلب در اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و حمایتی، همچنین بهره‌مندی از اشخاص حرفه‌ای مانند جرم‌شناسان، مشاوران حقوقی، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و وکلای می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد.

یکی از دلایل موفقیت در جامعه، رویکردهای چند نهادی، مشارکت و انسجام نهادهای مردمی و سازمانی، دولتی و غیردولتی با یکدیگر می‌باشد که می‌تواند دستگاه قضایی را در ارتباط با موارد پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان نسبت به سال‌های گذشته بسیار قدرتمندتر نماید.

همچنین، این افراد نمی‌توانند در وظایف و تکالیف محوله به مأموران پلیس ویژه دخالت نموده و هیچ‌گاه وظایف پلیس ویژه نیز به آنها واگذار نمی‌شود زیرا کمک و خدمات ارائه شده توسط این نهادها تنها یک رفتار حمایت‌گونه می‌باشد.<sup>۱</sup>

۴) تلاش پلیس ویژه در خصوص شناسایی اطفال و نوجوانان مشمول این قانون، حسب مورد انجام اقدامات حمایتی لازم و معرفی به نهادهای حمایتی و قضایی؛

این وهله زمانی برای آن است که کودک یا نوجوان بپذیرد که پلیس در این جایگاه و در این لحظه به دنبال تنبیه وی نیست و هدف اصلی آن‌ها در این مرحله تنها حمایت از کودک و نوجوان می‌باشد.

۵) طراحی و برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش‌های مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان؛

با توجه به اهداف رشد مدارانه نظام عدالت کیفری، یکی از مهمترین تکالیف پلیس ویژه برگزاری دوره‌های آموزشی می‌باشد؛ زیرا آموزش در تمام مراحل زندگی چه برای اطفال و نوجوانان و چه برای اولیا و سرپرستان آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

۱. تبصره ۱ از ماده ۶ لایحه پلیس ویژه: واگذاری وظایف پلیس ویژه به اشخاص موضوع بند (۳) این ماده ممنوع است.

۶) مطلع نمودن اطفال و نوجوانان، والدین آن‌ها و همچنین مدیران، کارکنان آموزشی و اداری با وظایف و اختیارات پلیس ویژه نکته مهم دیگری است که باید به آن توجه شود.

با توجه به عدم آگاهی عموم مردم نسبت به وجود چنین ضابطانی در کشور، نظام عدالت کیفری باید تلاش نماید تا با کمک رسانه و سایر راهکارهای ارتباطی، وظایف و اختیارات پلیس ویژه را برای عموم مردم به خصوص اطفال و نوجوانان مشخص و آن‌ها را از وجود و انجام چنین اقداماتی مطلع نماید. به همین منظور در ماده ۸ و ۹ لایحه پلیس ویژه این وظیفه مهم را به عهده صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نهاده است. عمومی بودن این دو نهاد در میان مردم می‌تواند بیشترین تأثیر را بر روی آن‌ها داشته باشد.

۷) برگزاری جلسات مشاوره با حضور کودک یا نوجوان مشمول این قانون شامل بزه‌دیده، افراد ناقص قوانین، افراد مخاطره آمیز، شاهد یا مطلع از وقوع جرم اعم از ایرانی یا تبعه خارجی زیر ۱۸ سال شمسی یا اولیاء آن‌ها و یا دیگر اشخاص مرتبط با وی؛

الزام به اجرای چنین تکلیفی از جانب قانونگذار، از جمله وظایف مهمی است که با توجه به رویکردهای رشد مدار می‌توان یک راه‌کار مفید در راستای کاهش فاصله میان کودکان و نوجوانان و مأمورین پلیس ویژه باشد؛ بنابر این، هرچه این فاصله، بیشتر کاهش یابد، باعث می‌گردد این افراد در طول مدت زندگی کمتر مرتکب بزهکاری شوند. همچنین در صورتی که هر یک از آنان به هر دلیل مورد آسیب جدی قرار بگیرند و به نوعی بزه‌دیده جرم شناخته شوند این ارتباط نزدیک می‌تواند بسیار آنان را از آسیب‌های بعدی در امان نگه دارد.

#### ۵-۱. جلوگیری از فرار کودکان و نوجوانان از محیط‌های اولیه رشد (خانواده و مدرسه)

از جمله اتفاقات مهم این روزها می‌توان به فرار کودکان و نوجوانان یا طرد شدن آنان از سوی سرپرستان خود اشاره نمود. جلوگیری از هرگونه فرار کودکان و نوجوانان یکی دیگر از وظایف محوله به این نهاد پیشگیرانه می‌باشد. این معضل مهم می‌تواند در دوران کودکی و نوجوانی به عنوان یکی از مهمترین عوامل خطرآفرین به حساب آید. موجبات تحقق چنین آسیبی می‌تواند این افراد را در معرض دو آسیب جدی قرار دهد:

اولین آسیب محرومیت در خصوص کودکان و نوجوانانی که به هر دلیل از محیط امن خانواده دور شوند و یا از این محیط امن فاصله بگیرند، از دست دادن فرصت رشد و تأمین آتیه‌ای مطلوب برای آنان می‌باشد که آینده این افراد را قطعاً، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

دومین آسیب مهم این دوری را می‌توان، ورود زودرس کودک و نوجوان به دنیای ناشناخته و آسیب‌زایی به نام کوچه و خیابان دانست. نتیجه این ورود زود هنگام، پیدایش پدیده‌ی به نام کودکان خیابانی است (حسینی، ۱۳۸۴، ۱۶۳).

اما واژه فرار، تنها محدود به فرار از خانه نمی‌باشد. فرار از مدرسه نیز یکی دیگر از اقدامات تأثیرگذار در آینده این افراد می‌باشد. در بروز ایجاد چنین رفتاری عوامل بسیاری می‌تواند دخیل باشد که مهمترین آن را می‌توان بار دیگر در خانواده آن‌ها جستجو نمود. گاهی رفتارهای گوناگونی مانند بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان، ترس از تنبیه، معضلات و مشکلات درون خانوادگی و از هم پاشیدگی خانواده از عوامل مهمی هستند که در این سن باعث شده تا کودک و نوجوان را از رفتن به مدرسه باز دارد و یا در حالتی دیگر باعث شود که آنان پس از ورود به مدرسه از آنجا بگریزند. بروز چنین اعمالی نیز از جانب آنان می‌تواند در بهترین شرایط و حالت تبعات جبران ناپذیری را برای آن‌ها از خود به جای بگذارد و به هر شکل آینده شغلی و اجتماعی آن‌ها را به نوعی در معرض خطر قرار دهد.

بنابر این، یکی دیگر از مؤلفه‌های مورد توجه در تشکیل پلیس ویژه قضاذا و با نگاهی پیشگیرانه، جلوگیری از فرار کودکان و نوجوانانی می‌باشد که به هر دلیل از خانه یا مدرسه خود زده شده و اقدام به فرار از این دو مکان می‌نمایند.

همین نگاه پیشگیرانه در تدابیر نظام عدالت کیفری موجب شد که قانونگذار، در تصویب لایحه‌ی پلیس ویژه ماده‌ای را به این موضوع اختصاص دهند و در ماده ۱۳ خود، یکی دیگر از وظایف پلیس ویژه را این‌گونه بیان نماید: «چنانچه پلیس ویژه در حین انجام وظیفه در اماکن عمومی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیزی مانند فرار از منزل یا مدرسه توسط کودک یا نوجوان مطلع گردد و یا با آن مواجه شود، مکلف است ضمن انجام اقدامات قانونی در مورد فرار از منزل نسبت به تحویل آنان به سازمان بهزیستی کشور و در مورد فرار از مدرسه نسبت به تحویل آن‌ها به ولی اقدام نماید. سازمان مذکور نیز در چهارچوب وظایف و بر اساس مصلحت کودک یا نوجوان نسبت به تحویل آنان به ولی یا سرپرستان قانونی اقدام و در موارد ضروری نیز او را به مراکز حمایتی و درمانی معرفی نماید».

اما گاه، دیده می‌شود دلیل اصلی فرار کودکان و نوجوانان از خانه و مدرسه، نبود سرپرست یا وجود خانواده‌ای بد سرپرست بوده که این موضوع نیز توسط مقنن در ماده ۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابر این، در مواردی که طفل یا نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز و تحت شمول قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ قرار بگیرد، این مأموران موظف بوده تا این افراد را به سازمان بهزیستی کشور تحویل و موضوع را به دادستان مربوطه گزارش دهند. در دیگر موارد چنانچه نگهداری از این افراد به صورت موقت در جهت حمایت یا مراقبت از وی امری ضروری باشد، ضمن ارائه پیشنهادهای لازم با دستور دادستان، آن‌ها را به سازمان بهزیستی کشور یا سایر اشخاص داوطلب که مصلحت طفل یا نوجوان ایجاب کند، مانند اقربای وی یا معتمدان تحویل می‌دهد.

## ۵-۲. توجه به تأثیرات محیط در کارکرد پلیس ویژه

تأثیر محیط در ارتباط با کارکرد پلیس ویژه، موضوع مهم دیگری است که بایستی آن را مد نظر قرار داد؛ زیرا تأثیرات این محیط نسبت به کودکان و نوجوانان می‌تواند بسیار گسترده باشد. در همین رابطه می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا داشتن فضای مناسب در ساختار و تشکیلات پلیس ویژه نیز می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان نقش مؤثری داشته باشد؟

در پاسخ به این سؤال، باید بیان نمود: بسیار دیده شده که محیط‌های کلانتری و پلیس در کشور در بیشتر مواقع سرشار از خشونت، جنجال و هیاهو می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان گفت این موارد بسیار در روحیه اطفال و نوجوانان و نیز نتیجه عملکرد پلیس ویژه تأثیرگذار می‌باشد.

پس از تصویب لایحه پلیس ویژه این نهاد به عنوان یک ساختار خاص، دارای تشکیلات خاص، مخاطبین خاص و در نهایت فضای خاص می‌باشد، فضایی که در آن باید تنها به مسائل و جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی شده و به نوعی از تماس آن‌ها با بزهکاران بزرگسال جلوگیری شود.

در همین راستا و به منظور کسب نتیجه بهتر، این نهاد می‌تواند به کمک متخصصان علوم روانشناسی و روانکاوانی در حوزه اطفال و نوجوانان اقدام به ساخت محیطی آموزشی محور و تربیت مدار نماید؛ به طور مثال، استفاده از رنگ‌های آرامش بخش در طراحی محیط‌های گوناگون، نصب تابلوهای نقاشی و خطاطی با جملات آموزنده، فراهم نمودن اتاق‌هایی تحت عنوان استراحتگاه به همراه تمام امکانات رفاهی مانند: میز، صندلی، کتاب‌های آموزشی و حتی اسباب بازی برای کودکان، به جای بازداشتگاه که نظارت بر آن نیز به کمک دوربین‌های مدار بسته صورت می‌گیرد، می‌تواند بسیار در فرآیند اعتماد سازی کودک و نوجوان با پلیس ویژه مؤثر باشد.

برقراری چنین ارتباطی برای تبرئه شوندگان، حس حمایتی و برای ناقضان قانون، حس شرمساری، همکاری، بازپذیری و یا عدم تکرار جرم در آینده را می‌تواند به همراه داشته باشد. استفاده از چنین ابزار و راهکارهایی در نظام عدالت کیفری بسیار با آموزه‌های پیشگیری رشد مدار مطابقت دارد.

با مد نظر قراردادادن چنین توصیفاتی در تصویب لایحه پلیس ویژه، مقنن در ماده ۱۶، این نهاد انتظامی را مکلف نموده است تا به منظور کاهش حضور فیزیکی کودک یا نوجوان مشمول این قانون در مراجع انتظامی و قضایی و جلوگیری از ورود هرگونه آسیب به آن‌ها، اظهارات و اطلاعات این افراد را پس از با اطلاع به وی و ولی او با شیوه‌هایی گوناگونی، مانند: استفاده از اتاق‌های نظارت یا سامانه‌های دورسخنی (ویدیو کنفرانس) و یا سایر سامانه‌های ارتباط الکترونیکی یا ضبط فیلم با رعایت مقررات ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ یا به موجب اصلاحات بعدی آن، بر اساس مقررات دادرسی الکترونیک اخذ نماید. استثناء عدم اطلاع به والدین را می‌توان نسبت به کسانی دانست که از ناحیه خانواده خود در وضعیت مخاطره آمیزی قرار دارند.

## ۳-۵. میانجی‌گری پلیسی

میانجی‌گری پلیسی از سال ۱۳۷۹ با تأسیس واحد مددکاری اجتماعی و مشاوره در نظام پلیسی ایران به رسمیت شناخته شد و شروع به کار نمود. شاید بتوان گفت مهمترین وجه تمایز در این نوع از میانجی‌گری با سایر میانجی‌گری‌ها، خود شخص میانجی می‌باشد؛ زیرا در این مدل، عمل میانجی، به جامعه مدنی و نهادهای مردمی تعلق ندارد، بلکه یک مقام رسمی دولتی آن را بر عهده گرفته است.

هنگامی که نظام عدالت کیفری در اجرای اهداف رشد مدارانه از اعمال رویکردهای متفاوت پیشگیرانه صحبت می‌کند و در این میان، به دلیل وجود شرایط خاص در ارتباط با اطفال یا نوجوانان، این نوع از رویکردهای پیشگیرانه را (میانجی‌گری) به عنوان یکی از وظایف پلیس ویژه معرفی نموده است، می‌توان امید داشت در صورتی که پلیس ویژه به وسیله میانجی‌گری مانع از ورود این افراد به سیستم رسیدگی قضایی شود، می‌تواند به این وسیله گامی مؤثری را در جهت کاهش پرونده‌های ارسالی به دادگاه و سپس باز پذیری و باز اجتماعی شدن کودک یا نوجوان داشته باشد.

با این دیدگاه، پلیس ویژه، در جرائم کم اهمیت، قابل گذشت، غیر مهم و خرد که جنبه عمومی هم به نوعی قابل چشم پوشی می‌باشد و از نظر جنبه خصوصی آن نیز این احتمال داشته می‌شود که شاید بزه‌دیده نیز از حق خود گذشت نماید، دست به اقداماتی زده که در علوم جرم شناسی از آن تحت عنوان عدالت ترمیمی یاد می‌شود.

میانجی‌گری در اصل ابزار، شالوده و سنگ بنای عدالت ترمیمی است. این نظام در صدد آن است تا در وهله نخست آنچه را که به وسیله بزهکار نقض شده، بهبود و سپس به دل‌مشغولی‌ها و نیازهای بزه‌دیده می‌پردازد (غلامی، ۱۳۸۵، ۳۴). توجه به چنین مسائل مهمی در نظام عدالت ترمیمی باعث شده تا ترس و دلهره از بزه‌دیده رفع و بزهکار نیز با جبران خسارت وارده، تنها به بازپذیری و اصلاح فکر نماید.

در این سری اقدامات پیشگیرانه، پلیس ویژه، افرادی را که در پدیده مجرمانه شرکت داشته‌اند را وارد فرآیند رسیدگی کیفری نمی‌کند، بلکه با توجه به شرایط، اوضاع و احوال و رضایت طرفین دعوا در فضایی امن و به دور از تشنج آن‌ها را با یکدیگر رو به رو کرده است، سپس مقدمات لازم برای انجام عمل میانجی‌گری را فراهم می‌کند.

در نهایت، نتیجه این عمل می‌تواند در صورت جلب رضایت بزه‌دیده و ابراز پشیمانی از سوی بزهکار به عنوان یک قرار نهایی و به صورت کتبی تحت عنوانی به نام صورت جلسه سازش، با نظارت پلیس ویژه تنظیم و به امضاء طرفین درآید. صورت جلسه سازش می‌تواند شامل تعهدات متفاوتی همچون جبران ضرر و زیان وارده از سوی بزهکار به بزه‌دیده، پرداخت مالی توسط بزهکار و یا حتی کمک نهادهای حمایتی جامعه به بزه‌دیده و یا توافقاتی نسبت به آینده باشد (میرزایی و مسعودی، ۱۳۹۰، ۹۹).



همچنین، در رویکردی دیگر این نهاد پلیسی می‌تواند در صورتی که دادسرا صلاح بداند و پرونده را به آنان ارجاع دهد، اقدام به مصالحه و سازش میان طرفین نماید. این رویکرد پیشگیرانه در صورتی که به درستی توسط نهادهای مربوطه انجام شود، می‌تواند کودک یا نوجوان بزهکار و یا در معرض خطر را بدون کوچکترین سرزنشی از طرف جامعه یا افراد گوناگون از رفتار اشتباه خود، آگاه کند و به نوعی با نشان دادن عواقب چنین رفتاری او را از ارتکاب جرم در آینده پشیمان نماید یا به هر نحو مانع از بزهکاری آنان در آینده شود. لازم به ذکر است تمام این موارد همسو با مؤلفه‌های پیشگیری رشد مدار می‌باشد.

اما همان‌گونه که در مطالب گذشته بیان شد، وظایف و تکالیف ضابطان به این نوع از رفتارها محدود نمی‌شود و حسب وظیفه و بر اساس نوع جرم از باب مشهود یا غیرمشهود و همچنین شدت و حدت جرم این وظایف و تکالیف گاهی متفاوت بوده است و آنان را مجبور به بازداشت و یا توقیف کودک و نوجوان می‌کند.

### نتیجه‌گیری

وجود اطفال و نوجوانان بزهکار، در معرض خطر و بزه‌دیده در نظام کیفری کشورها یک اتفاق انکارناپذیر است. از طرفی به سبب اطلاق عنوان طفل یا نوجوان، تأکید بسیار جرم شناسان و دکترین حوزه پیشگیری و دیگر مراجع دارای صلاحیت در خصوص مقابله با انواع بزهکاری، جلوگیری از تکرار جرائم حتی به ظاهر ساده توسط این افراد، باعث شده تا سیستم قضایی در تمام مراحل برخورد با آنها از شیوه‌های نوین قضازدایی و رویکردهای افتراقی بودن بهره‌مند شود.

این روند، از ابتداء تا انتهای موارد گوناگون در دستگاه‌های قضایی باید وجود داشته و اجرایی شود و لغزش در این موارد هدف اصلی این تلاش‌ها را با مشکلات گوناگونی رو به رو می‌سازد. یکی از نکات مهم در این مسیر، نوع برخورد اولیه سیستم عدالت کیفری با آنان است. تأثیرات این برخورد چنان مهم است که می‌تواند اعتماد آنان را به‌طور کامل با سیستم قضایی همراه یا در مقابل این سیستم قرار دهد. در طول این مسیر در اکثر مواقع اولین برخورد این افراد با سیستم قضایی با نیروی‌های پلیس می‌باشد.

استفاده از پلیس آموزش دیده، آگاه به مسائل قضازدا و برنامه‌های ترمیمی می‌تواند بسیار مثر واقع شود. دایره اختیارات پلیس نسبت به کودکان و نوجوانان باید محدود و دارای انعطاف بیشتری از جانب سیستم قضایی باشد. در کشورهای گوناگون پلیس ویژه از اختیارات گسترده‌ای مانند اخطار شفاهی یا جریمه کتبی نسبت به طفل یا نوجوان خاطی، ارجاع به مشاور، میانجی‌گری یا ارجاع به نشست‌های خانوادگی برای اصلاح طفل یا نوجوان به صورت مسالمت آمیز و دیگر راهکارهای مؤثر برخوردار است که می‌تواند به واسطه این اختیارات وظیفه‌ی خود را به عنوان یک نیروی قضازدا انجام دهد.

در ایران تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و همچنین لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰ از جمله قوانین مهم و دارای ضرورتی بوده است که علاوه بر به رسمیت شناختن پلیس ویژه، به رسیدگی‌های غیرقضایی و استفاده از نهادهای ترمیمی نیز توجه داشته‌است. تشکیل پلیس ویژه، بررسی وظایف و اختیارات آن‌ها به‌خصوص در جرائم مشهود و غیرمشهود، همچنین اعطای اختیارات متنوع از قبیل اقدامات نظارتی و پیشگیرانه در راستای جلوگیری از اعمال گوناگون کودک یا نوجوان به اقتضاء سن او مانند جلوگیری از فرار آنان و یا میانجی‌گری‌های پلیسی، به‌خصوص در جرائم قابل گذشت و خرد، نمونه‌ای از ساز و کارهای عدالت ترمیمی و رویکردهای قضازدا و دارای اهمیتی می‌باشد که برای کودک و نوجوان نیز مطلوب است. این مطلوبیت دارای فواید بسیاری خواهد بود، برای مثال، این ساز و کار باعث جدایی و دوری این افراد از معایب گوناگون حضور در سیستم عدالت کیفری رسمی است. همچنین پلیس ویژه می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای گوناگون به حل و فصل مشکلات پیش آمده و ترمیم روابط شکسته شده بین افراد بپردازد و در نهایت، آن‌ها را مجدداً به جامعه بازگرداند.

تمامی این اعمال تنها در صورتی محقق می‌شود که این افراد از ماهیت وجودی و افکار کودک یا نوجوان شناخت کافی داشته باشند و در مواجهه با شرایط جرم‌زا و جرم خیز به واسطه آموزش‌های لازم و ضروری عکس‌العمل مناسبی از خود نشان دهند.

تمام موارد مذکور نیازمند زمینه‌سازی‌های مهم و اساسی می‌باشد که از طریق آگاه‌سازی عموم مردم به واسطه رسانه ملی، آموزش و پرورش و دیگر نهادهای جامعه بایستی صورت بگیرد.

بنابر این، پلیس ویژه را می‌توان یکی از مهمترین نهادهای مؤثر قضازدا معرفی نمود که به‌پشتوانه قانون، دانسته‌های روانشناسانه، آموزش‌های ویژه و ساختاری مناسب نسبت به نوع نگرش‌های فکری و ذهنی اطفال و نوجوانان منحرف در این مرحله یا در مرحله‌های پیش از آن، از خود عملکردی مناسب ارائه دهد که باعث التیام جامعه و کاهش پرونده‌های قضایی می‌شود.

بر اساس نتایج حاصله، پیشنهاد می‌شود که رویکردهای مبتنی بر عدالت ترمیمی، بیش از پیش، مورد توجه سیاستگذاران نظام جنایی در طریق مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان قرار گیرد و فرایندهای قضازدا با محوریت عدالت ترمیمی، نسبت به موارد ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان، اجرایی شوند.

در این زمینه، می‌توان به برنامه‌ها و تدابیری که عدالت ترمیمی پیشنهاد کرده است؛ از جمله حلقه‌های مصالحه میان بزهکار و بزه‌دیده متوسل شد. از سوی دیگر، اعمال ارفاقات قضایی بیشتر نسبت به بزهکاران خردسال به ویژه در زمینه تعیین مجازات‌های خفیف‌تر و سبک‌تر نسبت به جرائم ارتکابی کودکان و نوجوانان و تمسک به اصل کیفرگرایی حداقلی می‌تواند کارکردهای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در کشور ما را به مراتب، افزایش دهد.

## کتاب‌شناسی

۱. پورشکیبایی، پیروش؛ جهانی، بهزاد (۱۳۹۰)، جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی کیفری، مجله کارآگاه، دوره دوم، شماره: ۱۷، ۴۴-۶۲.
۲. ترکمنی، شادی؛ کرد علیوند، روح‌الدین (۱۴۰۱)، کارکردهای پلیس ترمیمی ویژه اطفال؛ رویکرد تطبیقی استرالیا، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره: ۱۰، شماره ۱۹، ۱۷۹-۲۰۶.
۳. حسینی، سید حسن (۱۳۸۴)، وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره: ۱۹، ۱۷۴-۱۵۵.
۴. خرسندآستانجین، هادی؛ ارجمند، مسعود (۱۳۹۸)، ارزیابی جایگاه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قضاودایی، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، شماره: ۱۲، ۶۷-۷۵.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، تهران، خط سوم.
۶. عبدلهی، سامان؛ بیرانوند، رضا؛ یاراحمدی، حسین (۱۳۹۷)، پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره ۱، ۱۹۵-۲۲۰.
۷. عبدی، الهام؛ رضوانی، احمد؛ معظمی، شهلا؛ فرحبخش، مجتبی (۱۴۰۱)، مطالعه تطبیقی برخی نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران با حقوق آمریکا، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره: ۱۱، ۳۷۱۵-۳۷۳۲.
۸. غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت.
۹. کشفی، سید سعید (۱۳۸۷)، نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره اول، ۱۶۶-۱۴۴.
۱۰. محسنی، فرید؛ ملکوتی، نصیر (۱۳۹۸)، نقش محیط‌های آموزشی تحمیلی در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان در ایران و انگلستان، دو فصلنامه حقوق تطبیقی، سال ۱۵، شماره: ۱ (شماره پیاپی ۱۱۱)، ۹۵-۱۲۰.
۱۱. مظفری‌نیا، سهراب؛ آلبوغلی، امیر؛ باوی، محمود (۱۴۰۱)، بررسی نتایج تصمیمات افتراقی در دادرسی‌ها در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، فصلنامه آموزه‌های فقه و حقوق جزا، دوره: ۱، شماره: ۴، شماره پیاپی ۴، ۸۳-۱۰۴.
۱۲. موذن‌زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، غلامحسین؛ بارانی، محمد؛ یار احمدی، حسین (۱۳۹۵)، قضاودایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار مطالعه تطبیقی نیوزیلند کانادا و ایران، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم، شماره: ۳، شماره پیاپی ۷۲، ۴۵-۶۹.
۱۳. میرزایی، محمد؛ مسعودی، عباس (۱۳۹۰)، نقش پلیس در اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، مجله کارآگاه، دوره دوم، شماره: ۱۷، ۸۴-۱۰۷.

14. Sherman, Lawrence W. & Strang, Heather (2005), **Restorative Justice**, Los Angeles: Roxbury Publishing Company.

15. Strang, Heather; Sherman, Lawrence W; Mayo-Wilson, Evan; Woods, Daniel & Ariel, Barak, (2013), **Restorative justice conferencing (RJC) using face-to-face meetings of offenders and victims: Effects on offender recidivism and victim satisfaction**, A systematic review, Campbell Systematic Reviews, 9 (1), 1-59, doi:10.4073/csr.2013.12.

16. Tonry, Michael & Frase, Richard S. (Eds.), (2001), **Sentencing and sanctions in western countries**, Oxford University Press.

